

## نکاح زنان ایرانی با اتباع بیگانه در حقوق قضایی ایران

محمد رضا مرندی<sup>۱</sup>، جعفر شاهی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار حقوق بین الملل، گروه حقوق، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران

### چکیده

در عقد ازدواج اتباع ایران با اتباع بیگانه، همان شرایط عام صحتی که برای وقوع عقد ازدواج لازم است در وقوع این عقد نیز جاری است. ولی قانونگذار علاوه بر لزوم شرایط صحت نکاح، جهات و مسایل دیگری را نیز مطرح نموده از جمله این که ازدواج زن مسلمان ایرانی را با غیر مسلمان جایز ندانسته (ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی) دیگر اینکه در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی مقرر داشته در صورت فقدان موانع ازدواج یعنی رعایت تمام شرایط صحت ازدواج، ازدواج زن ایرانی را با تبعه خارجی موکول به اجازه دولت دانسته است. انگیزه قانونگذار از ایجاد محدودیت در اختیار نمودن همسر تبعه بیگانه را باید در آثار و پیامدهای سیاسی ناشی از این گونه ازدواجها به واسطه تغییر تابعیت زن ایرانی جستجو کرد، این انگیزه دولت در ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی نیز مشهود است که مقرر می دارد: «دولت می تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین و محصلین دولتی را با زنی که تبعه بیگانه باشد موکول به اجازه مخصوص کند». آن هم به جهت مصون نگه داشتن دستگاه های سیاسی و امنیتی از نظر رخنه و نفوذ و تسلط بیگانگان است. از آنجا که زنان بیشتر از مردان در معرض سوء استفاده و تضییع حق قرار گرفته و بسیاری از ازدواجهای زنان ایرانی با مردان بیگانه به علت عدم آگاهی از قوانین و یا بر اثر تأثیر رسوم و عرف و عادات محلی و یا عدم برخورد با تشریفات قانون که به صورت غیر رسمی صورت گرفته بود موجب ایجاد مشکلات و مصائب فراوانی برای زنان ایرانی و فرزندان آنها شد که در عمل، در ازدواج زنان ایران با مهاجرانی افغانی و عراقی کاملاً مشهود و نمایان است.

واژه های کلیدی: نکاح، اتباع، بیگانه، حقوق، ایران.

## مقدمه

نکاح رابطه ای است حقوقی یا عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می گردد و به آنها حق زندگی با یکدیگر و کامجویی را می دهد. در این که آیا این لفظ (نکاح) دلالت بر همخوابگی است یا عقد، یا میان هر دو مشترک لفظی است اختلاف نظر وجود دارد. بنابراین مراد از نکاح، همان حق همخوابگی است و مجازاً به عقد ازدواج اطلاق می گردد این به جهت علاقه سببیتی است که بین عقد خاص با حصول این حق وجود دارد و ازدواج به معنی به وحدت رسیدن است که معنای است لغوی و عقد عامل پیدایش این حق است؛ هر چند فقها و حقوقدانان مقصودشان از نکاح و ازدواج عقد خاص می باشد. قانونگذار در زمینه ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه یا مرد ایرانی با زنی که دارای تبعه خارجی است بدون توجه به قانون خارجی کشور متبوع تبعه بیگانه، به تعیین شرایطی مبادرت جسته از جمله اینکه طبق شرع مقدس اسلام ازدواج زن مسلمان را با مرد غیر مسلمان جایز ندانسته و بر همین اساس در ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی مقرر داشته: «نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست» اما اگر این شرط مهم و اساسی هم در مردان تبعه بیگانه وجود داشته باشد باز هم ازدواج آنان طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است. این اجازه، در قالب صدور پروانه زناشویی طبق آئین نامه زناشویی بانوان با تبعه بیگانه مصوب ۱۳۴۵ در ۴ ماده تصویب گردیده است. این اجازه دولت، فقط شامل زنان نبوده بلکه طبق ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی نیز ازدواج بعضی از مستخدمین و مامورین رسمی و محصلین دولتی با زنی که تبعه ی بیگانه می باشد موکول به اجازه مخصوص از دولت می باشد. این شرایط برای تضمین و حصول اطمینان از پایداری پیوند زناشویی و همچنین رعایت مصالح سیاسی است که در صورت عدم کسب مجوز مشکلات فراوان هم برای دولت و هم برای زنان و مردان ایرانی در این قبیل ازدواج ها ایجاد می شود از جمله مشکلاتی که در این زمینه می توان به آن اشاره کرد عدم ثبت ازدواج، نداشتن شناسنامه برای فرزندان حاصل از این ازدواج، خروج از تابعیت، طلاق، اخراج کارمند از اداره دولتی و ... مسایلی است که در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد (ابراهیمی، ۱۳۷۷).

## سؤالات اصلی تحقیق

۱. در صورت ازدواج زن ایرانی با مرد تبعه بیگانه بدون کسب مجوز از دولت آیا چنین ازدواجی معتبر است؟
۲. آیا فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با تبعه بیگانه با این که مادر آنها ایرانی است جزء تبعه ایرانی محسوب می شوند؟

## اهداف تحقیق

از آنجا که بحث ازدواج از مسایل مهم قانون مدنی و از مسایل مطرح در دادگاه ها به شمار می رود اکثر زنان ایرانی که با تبعه بیگانه ازدواج نمودند، پس از ازدواج دچار مشکلاتی شدند بطوری که اگر این زنان از عواقب چنین ازدواجی آگاه بودند شاید دچار چنین عواقب ناخوشایندی که هم اکنون گریبانگیر آنهاست نمی شدند. لذا در این تحقیق سعی بر این بوده که بانوان ایرانی با آگاهی بیشتر، نسبت به آثار و عواقب ازدواج با اتباع بیگانه تصمیم بگیرند.

## روش تحقیق

روش تحقیق، روش تحلیلی و توصیفی بوده که با بررسی و مطالعه کتاب ها و دیگر منابع موجود در خصوص موضوع، به جمع آوری اطلاعات و نقد و بررسی موضوع پرداخته می شود.

## اهمیت ازدواج

در عالم بشریت، ازدواج یک سنت فطری و طبیعی است که از دیرباز به عنوان یک نهاد اجتماعی شناخته شده و همه شرایع و قوانین آن را ترغیب کرده اند. مصلحت فرد و اجتماع در این است که زن و مرد پیمان زناشویی ببندند و خانواده تشکیل دهند.

زن و مردی که خود را آماده پذیرفتن مسؤولیت می بینند، کسانی که خود را شایسته پدر و مادر شدن می دانند و آنان که عشق خود را به هم جاودانه می پندارند، به امضای این پیمان تن در می دهند. ازدواج نخستین گام در راه لجام زدن به خودخواهی ها و پذیرفتن بار مسؤولیت های اجتماعی است، مانع آلودگی فرد و غوطه ور شدن او در ورطه فساد است. کسی که به تنهایی زندگی می کند و از ازدواج می گریزد و به ارضاء غریزه جنسی، نظمی صحیح و اخلاقی نمی دهد دستخوش فساد و تباهی و بیماری است و نمی تواند سلامت جسمی و روحی خود را حفظ کند. تردیدی نیست ازدواج موجب آسایش و آرامش انسان و موجب دلبستگی بیشتر به زندگی است و قرآن کریم در این باره می فرماید: از آیات خدا این است که برای شما از خودتان همسرانی آفرید تا بدانها آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد که در این، برای گروهی که اندیشه می کنند آیتهاست (عمید زنجانی، ۱۳۸۸).

### قانون حمایت از خانواده

اهمیت اجتماعی خانواده باید محرک قانونگذار در حمایت از آن باشد. هر قاعده ای که قانونگذار در این باره می آورد می تواند در تحکیم یا تضعیف آن مؤثر باشد. بنابراین در زمینه خانواده قانونگذار باید با احتیاط کامل عمل کند و از هر اقدامی که به ضعف خانواده منتهی شود بپرهیزد و در اصطلاحات و نوآوریهای خود تثبیت خانواده را همواره در مدنظر داشته باشد. بی شک قانونگذار باید به منافع هر یک از افراد خانواده توجه کند؛ لیکن آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، نفع خانواده به عنوان یک نهاد و واحد اجتماعی است و استحکام و حمایت از آن باید پیش از هر چیز مد نظر باشد. در اصطلاحات قوانین و مقررات مربوط به خانواده باید عرف و عادات و سنن خانوادگی در نظر گرفته شود و گرنه اجرای قانون با مشکلات بسیاری مواجه خواهد شد و چه بسا به سستی و ناتوانی خانواده خواهد انجامید. در ایران حمایت از خانواده همواره مورد نظر قانونگذار بوده ولی نخستین بار در تیرماه ۱۳۴۱ تابعیت اصلی یا مبدأ، تابعیتی است که از ابتدای تولد شخص، به حکم قانون به وی تحمیل می شود این تحمیل تابعیت از دو طریق امکان پذیر است: یک از طریق خون و دیگری از طریق خاک که از آنها به سیستم خون و خاک یاد می کنند (ال کجبا، ۱۳۹۰).

### تعریف بیگانه

بیگانه در لغت، به معنای مختلف آمده است: « غیر، نآشنا، اجنبی، غریبه، ناشناس، خارجی» ولی در اصطلاح حقوقی، مقابل تبعه است. بیگانه در زبان انگلیسی «Alien» و در زبان عربی الاجنبی نامیده می شود. بیگانه شخصی است که به عنوان شهروند یا تبعه کشوری که در آن زندگی می کند شناخته نشده است. در حال حاضر بیگانه به افرادی اطلاق می شود که تعهد تابعیت کشور خاص را پذیرفته باشند اعم از اینکه دارای تابعیتی غیر از مملکت محل توقف باشند، یا آنکه تابعیت هیچ کشوری را نداشته، یعنی بدون تابعیت باشند (سلجوقی، ۱۳۸۸).

### بیگانه در اسلام

اسلام مکتبی است که براساس وحی و برای تأمین سعادت بشر شکل گرفته است. از دیدگاه اسلام بیگانه کسی است که دارای عقیده ای غیر از اعتقاد اسلامی است، اعم از این که معتقد به یکی از ادیان آسمانی، مثل یهودیت و مسیحیت باشد یا این که اصلاً عقیده ای نداشته و یا اعتقاد مشرکانه ای داشته باشد. خلاصه کلام بیگانه کسی است که مسلمان نباشد. اسلام مردم را براساس گرایش و عدم گرایش به دین اسلام به دو گروه بزرگ مومن و کافر تقسیم می کند و همه مرزهای غیر ارزشی نظیر رنگ، خون، نژاد و تعلق به پدر آن زمان که دولت ها، چه دولت های دینی و چه غیر دینی برای بیگانگان کمترین حقی جز از سر ضرورت و اجبار قائل نبودند، نظام حقوقی اسلام به نیکوترین صورت تمام آنچه را امروز تحت عنوان «حداقل حقوق انسانی برای بیگانگان» معروف شده است برای بیگانگان به رسمیت شناخته بود. رفتار مسلمانان با بیگانگان مسالمت آمیز و دوستانه بود، عصر ظهور اسلام را باید فصلی نو در قانونمند شدن حقوق و تکالیف بیگانگان دانست (امامی، ۱۳۷۲).

## وضعیت حقوقی بیگانگان در ایران

در زمان حاضر در کلیه کشورها این که بیگانه از حقوقی برخوردار باشد، پذیرفته اند اما این که میزان برخورداری از حقوق تا چه حد باید باشد و آیا باید بیگانه را از این نظر، هم پایه تبعه داخلی در نظر گرفت یا در سطحی دیگر، مسئله ای است که مورد اتفاق کشورها نیست و هر کشور با توجه به وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی جغرافیایی خود شرایط و محدودیت های خاصی برای بیگانگان قائل می شوند. شایان ذکر است که دولت ها، هیچگونه الزام بین المللی برای پذیرفتن بیگانه در قلمرو حاکمیت خود نداشته اما به محض اینکه بیگانه در قلمرو حاکمیت دولتی پذیرفته شد، دولت پذیرنده باید حداقل حقوق برای وی قائل گردد. اما شناسایی حداقل حقوق بیگانگان توسط دولت ها، به عنوان اصول اخلاقی که فاقد ضمانت اجرایی است تلقی می گردد. در مورد بیگانگان در ایران چه اشخاص حقوقی و چه اشخاص حقیقی، اصل بر آن است که هر بیگانه ای می تواند از همه حقوق مدنی متمتع شود، مگر در مواردی که قانون به طور صریح آنها را از بعضی از حقوق محروم کرده باشد را از دولت ایران کسب کرده باشند (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۵). مشارکت و نقش بیگانگان در امور سیاسی کشور امری است استثنایی و اصل بر عدم حضور و نقش آنان در این امور است؛ زیرا حقوق سیاسی امتیازی است که براساس قانون برای اعضای جامعه به منظور شرکت در انتخابات، همه پرسی و مشارکت در اداره امور کشور، به عنوان حق انحصاری ایرانیان در نظر گرفته شده است. احتیاط هم چنین اقتضا دارد که اتباع بیگانه از حقوقی بهره مند نگردد که به وسیله آن بتوانند در امور داخلی و سیاسی که کشور دخالت و اعمال نفوذ نماید. حتی بعضی از مؤلفین عقیده بر آن دارند که اجازه برخورداری از این حقوق به خارجی ها، ناقض حقوق بین الملل می باشد؛ زیرا ممکن است در پاره ای از موارد منافع دولت مبتوعه آنها با وظیفه ای که از طرف اولیا مملکت متوقف به آنها واگذار می شود تنافی یا تضاد داشته باشد و به رعایت احترام حقوق بین الملل، دولت ها باید از پیش آمدن چنین وضعیتی جلوگیری نمایند. علاوه بر محرومیت بیگانگان از حقوق سیاسی، این افراد از استخدام در نهادهای دولتی، پست های حساس مملکتی نیز محروم هستند؛ زیرا در قانون ایران از جمله شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان شرط تابعیت ایران به عنوان یکی از شرایط اصلی در نظر گرفته شده است مانند عضویت در اطلاق بازرگانی، انجمن های ایالتی و ولایتی. البته گاهی اوقات این امکان وجود دارد که دولت برای استفاده از تخصص بیگانگان، ناچار به استخدام آنان شود که در این صورت به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز می باشد، پس از تصویب مجلس فرد مذکور باید از وزارت کار و امور اجتماعی نیز پروانه کار دریافت کند تا فعالیت او قانونی محسوب شود. فرد بیگانه در ایران علاوه بر مشاغل دولتی از اشتغال به برخی کارهای عمومی مانند وکالت در دادگستری، سردفتری نیز محروم می باشد. شخص بیگانه از حیث خدمت وظیفه عمومی معاف می باشند ولی از حیث مالیات بردرآمد تفاوتی بین آنان و اتباع داخلی وجود ندارد و برابر بند چهار ماده ۱ یک قانون مالیات های مستقیم، هر شخص غیر ایرانی اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به کلیه درآمدهایی که از ایران تحصیل می کند مکلف به پرداخت مالیات می باشد (کاظم زاده، ۱۳۸۲).

## فلسفه ممنوعیت ازدواج با بیگانگان

ممنوعیت ازدواج با بیگانگان از دیرباز بین برخی از ادیان و یا اقوام ملل مطرح بوده، یکی به دلیل مصنوعیت اعتقادی و دیگری به دلیل حفظ ملیت و اصالت نژادی و قومی. بیگانگان حتی در مورد مردان مسیحی نیز در صورتی که همسر او به آیین غیر مسیحی باقی بماند ممنوع است. در حالی که در آیین اسلام چنین نیست آیین اسلام از همان آغاز به عنوان یک آیین جهانی مطرح شد؛ چرا که پیامبر اکرم (ص) برای همه افراد بشر به عنوان رحمتی برای جهانیان مبعوث گردید مسلمانان برعکس یهودیان، تبلیغ و جهاد در مسیر گسترش توحید و مسلمان شدن دیگر ملل را از همان آغاز، وظیفه خود می دانستند و فلسفه اصلی جهاد در اسلام نیز همین بوده است. اسلام از همان آغاز با روح عصبیت و ملی گرایی و هرگونه نژاد پرستی مخالف بوده و کوشیده است تا گرایش های ناسیونالیستی را در میان امت اسلامی ریشه کن سازد و عملاً نیز پیامبر (ص) مسلمانان را از هر قوم و ملتی که باشند با یکدیگر برابر قرار داد و با افتخارات نژادی، به شدت مبارزه نموده است. تردیدی نیست که ممنوعیت ازدواج با بیگانگان در موارد محدودی که مطرح بود، مبتنی بر حس ملی گرایی و برتری قومی نبوده است بلکه بی تردید این

ممنوعیت به جهت ممنوعیت اعتقادی مسلمانان و دور نگه داشتن آنان از آلودگی اخلاقی و حفظ اصالت های خانوادگی بوده است (ابراهیمی، ۱۳۷۷).

حقیقت این است که به حکم قرآن: « چیزهایی پاکیزه به آنها حلال می کند و چیزهای ناپاک را حرام»<sup>۱</sup> در اسلام حکمی بر خلاف عقل و فطرت اصیل انسان ها وجود ندارد؛ هر آنچه پاک و برای آدمیان مفید است، حلال شناخته شده و هر آنچه ناپاک و برای بشر مضر است حرام می باشد بنابراین به صورت کلی، عقل می تواند داور حلال ها و حرام ها در شرع مقدس اسلام باشد، گو اینکه در بعضی موارد جزئی ممکن است فکر بشر از درک خصوصیات آن عاجز باشد. در مورد ازدواج با بیگانگان نیز چنین است؛ اول اینکه اسلام بر تصورات واهی اقوام و ادیان مختلف خط بطلان کشیده و در بسیاری از مواردی که به بهانه بیگانه بودن شخص، حکم به ممنوعیت ازدواج با او داده اند اسلام ازدواج را جایز دانسته و مسلمانان را در انتخاب همسر، حتی از میان غیرمسلمان آزاد گذاشته است؛ البته مشروط به این که همسر برگزیده شده از غیرمسلمان، آلودگی دیگری نداشته باشد و همچنین اوضاع و احوال اجتماعی به ضرر مسلمانان نبوده باشد؛ یعنی فرد مسلمانی که با غیر مسلمان ازدواج می کند و همچنین جامعه اسلامی، از این ناحیه دچار مشکلات نشوند و آسیب نبینند به دیگر سخن، آیین اسلام غیر مسلمانان را مشمول حکم واحدی نمی داند، بلکه در این زمینه قائل به تفصیل است؛ یعنی ازدواج با کسانی را که دارای آیین آسمانی اند، هر چند در ادامه کار دچار انحراف عقیدتی نیز شده باشند در اصل مجاز شمرده و از سوی دیگر، فقهای اسلام ازدواج با کسانی را که دارای عقیده توحیدی نیستند منع کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵).

### ازدواج های غیررسمی از لحاظ حقوق ایران

ازدواجهای شرعی مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و هجوم مهاجرین کشورهای همسایه به ایران موجب بروز مشکلات زیادی شده که دامنگیر هموطنان ما شده است. ممکن است ازدواج شرعی که بین دو تبعه ایرانی صورت پذیرفته مشکلی نداشته باشد و به راحتی در مراجع رسمی با حکم دادگاه قابل ثبت و به رسمیت شناخته شده باشد، اما ازدواج بین اتباع ایران با اتباع بیگانه بدون هماهنگی مراجع رسمی مشکلات فراوان را به همراه دارد و چون آثار ازدواج بعنوان یک عقد اجتماعی دامنگیر جامعه میشود و آثار اجتماعی آن محدود به طرفین عقد نمی شود بلکه سرنوشت فرزندان نیز بر این ازدواج وابسته است. بنابراین طرفین نمی توانند آزادانه آثار آنرا معین کنند، نتایج و آثار آن را به طور امری از طرف قانونگذار معین می شود و مجموع مقررات آن «موقعیت قانونی» خاصی را بوجود نباشد موقوف به اجازه دولت است؛ به عبارت دیگر در صورت فقدان موانع ازدواج، باز هم می بایست از دولت اجازه گرفته شود. بنابراین با توجه به اهداف سیاسی دولت و ضرورت کنترل بر اتباع و مصلحت بانوان ایجاب می کرد که دولت نسبت به اینگونه ازدواجها نظارت داشته باشد به همین دلیل در عمل رویه دادگاهها بر این بوده، با عنایت به اینکه شورای نگهبان ماده یک قانون ازدواج را غیرشرعی اعلام کرده ولی در خصوص ماده ۱۷ قانون ازدواج مبنی بر تحصیل اجازه سکوت نموده و دادگاهها در عمل آن را معتبر تلقی کرده و اعمال می نمودند. تا اینکه برای رعایت و حفظ مصلحت بانوان ایران شورای عالی قضایی طی بخشنامه ای اعلام کرد که اعتبار ماده ۱۷ قانون ازدواج به قوت خود باقی است در این بخشنامه تأکید شده است که دفاتر ثبت ازدواج باید از ثبت اینگونه ازدواجها خودداری کنند و بیگانه ای که بدون پروانه زناشویی مبادرت به ازدواج با بانوی ایرانی نماید به مجازات مصرحه در ماده مذکور محکوم خواهد شد (امامی، ۱۳۷۶).

### ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه در داخل ایران

یکی از مسائلی که متعاقب اقامت بیگانگان در هر جامعه ای پیش می آید، ازدواج آنان با اتباع کشور پذیرنده است. در صورتی که ازدواجی طبق مقررات قانونی صورت گیرد مشکلی ایجاد نخواهد کرد، اما اگر قواعدی را که در این خصوص وضع شده است.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۵۷

رعایت ننمایند، مسایل و دعاوی حقوقی بیشماری بوجود خواهداطلاعات و نیروی انتظامی استان و اخذ موافقت ادارات مذکور، پروانه زناشویی با امضاء استاندار که از طرف وزارت کشور امضاء می نماید در هفت نسخه صادر می گردد. برگه اول پروانه که بدون رونوشت می باشد به متقاضی تحویل تا جهت اخذ پروانه اقامتی ازدواجی به نیروی انتظامی استان مراجعه و پس از اخذ پروانه مذکور هر دو پروانه را ( پروانه زناشویی و پروانه اقامت ازدواجی) به عاقد ارائه و عقد رسمی انجام می پذیرد. شش برگ دیگر پروانه طی رونوشتی به اداره ثبت احوال، اداره اطلاعات، نیروی انتظامی استان، وزارت کشور، وزارت امور خارجه ارسال می شود و یک نسخه نیز در پرونده مربوطه در استانداری نگهداری می گردد ([http:// stat. woren. gor.ir](http://stat.woren.gor.ir)).

### ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه در خارج از ایران

وضعیت حقوقی ازدواج مردان بیگانه با زنان ایرانی در داخل کشور مورد بررسی قرار گرفت حال به بررسی ازدواج مرد بیگانه با زنان ایرانی در خارج از کشور می پردازیم. عمده ترین مشکلی که در امر ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی در خارج از کشور وجود دارد، عدم مراجعه بعضی از زنان ایرانی به نمایندگی های سیاسی ایران در خارج از کشور و عدم رعایت تشریفات مقرر در قانون ایران است. از این رو ازدواج زنان ایرانی با مردان بیگانه در خارج از کشور به دو دسته تقسیم می شود: دسته اول ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه با هماهنگی نمایندگان سیاسی و کنسولی ایران در خارج کشور می باشد و در دسته دوم ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه بدون هماهنگی نمایندگان سیاسی و کنسولی در خارج از کشور صورت می گیرد(همان منبع).

### ازدواج مرد ایرانی با زن تبعه بیگانه

به علت گسترش روابط از جمله مردم ایران با سایر نقاط جهان، عقد ازدواج بسیاری بین اتباع ایران و سایر کشورها صورت می گیرد که مسایل و تبعات حقوقی و اجتماعی بسیاری در پی این ازدواجها بوده است. ازدواج مردان ایرانی با زنان تبعه بیگانه به نسبت ازدواج زنان ایرانی با مردان تبعه بیگانه مشکلات کمتری وجود داشته مهم ترین دلیل این امر تحمیل تابعیت مرد ایرانی به زن بیگانه در اثر اینگونه ازدواج هاست. به عبارت دیگر، پس از ازدواج تابعیت ایران به زن بیگانه تحمیل شده و همانند یک تبعه ایرانی با او رفتار خواهد شد و از آن پس یک زوج ایرانی هستند که دارای تمام حقوق و تکالیف یکسان و تابع قوانین همگون هستند. در این مبحث نیز ازدواج مرد ایرانی با زن تبعه بیگانه به دو قسمت تقسیم شده در قسمت اول ازدواج مرد ایرانی با زن بیگانه در داخل کشور مورد بررسی قرار می گیرد و قسمت دوم در مورد ازدواج مرد ایرانی با زن بیگانه در خارج از کشور بحث می شود(سلجوقی، ۱۳۸۸).

### بحث و نتیجه گیری

در صورت ازدواج زن ایرانی با مرد تبعه بیگانه بدون کسب مجوز از دولت آیا چنین ازدواجی معتبر است؟ امکان ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در قوانین ایران پیش بینی شده است. برطبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی مجاز به ازدواج با تبعه خارجی است و بر طبق ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی منوط به مسلمان شدن وی و سپس، کسب اجازه مخصوص از طرف دولت است. ازدواج مزبور در صورت عدم تحصیل اجازه از دولت، به لحاظ شرعی صحیح بوده و آثار نکاح بر آن مترتب است. لکن این اقدام مستوجب مسئولیت و قابل پیگرد خواهد بود. طبق ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ و ۱۳۱۶ و مواد ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی با تبعه بیگانه در موردی هم که منع قانونی ندارند موکول به اجازه دولت است و بیگانه ای که بدون اجازه مذکور، با زن ایرانی ازدواج نماید به حبس از یک تا ۳ سال محکوم خواهد شد. از طرفی برابر ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است. این تأسیس، از نظامات حکومتی بوده و فاقد جنبه فقهی است. بنابراین گرچه، ازدواج زن مسلمان ایرانی با مرد مسلمان خارجی در قانون ایران تجویز شده است. با وجود این، طبق ماده ۱۰۶ قانون مدنی و طبق ماده

۱۷ قانون راجع به ازدواج، مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی آن در مواردی که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص بوده و دولت باید در هر نقطه، مرجعی را برای دادن اجازه، معین کند. بر این اساس، آیین‌نامه زناشویی بانوان ایرانی، بدو در آبان ماه ۱۳۱۹ تصویب و پس از اجرای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و طبق ماده ۱۷ قانون ازدواج با انجام اصلاحاتی مصوب شد. طبق ماده یک آیین‌نامه اخیرالذکر، وزارت کشور مجاز به صدور پروانه ازدواج زناشویی بانوان ایرانی با اتباع خارجی با رعایت داشتن شرایط مقرر در آیین‌نامه مزبور است.

آیا فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با تبعه بیگانه با این که مادر آنها ایرانی است جزء تبعه ایرانی محسوب می‌شوند؟ فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی، دغدغه شناسنامه‌دار شدن دارند و با معضلات دو تابعیتی روبرو هستند و قدر مسلم است که دو تابعیتی هم بر دولت‌ها و هم بر افراد جامعه اثرات منفی دارد و برای کشورها معضلات عدیده‌ای ایجاد می‌کند. تابعیت رابطه سیاسی و اجتماعی بین مرد و دولت متبوع بوده و دارای آثار حقوقی خاصی است. یکی از عوامل مهم تعیین و تغییر تابعیت ازدواج است. این اثر زمانی آشکار می‌شود که در تابعیت پدر و مادر طفل اختلاف ایجاد شود. آنچه مورد توجه ادیان الهی، اندیشمندان و دولتمردان ملل مختلف جهان بوده، رعایت حقوق بشر در تمامی ابعاد و زوایای آن می‌باشد. در جامعه بین‌المللی نیز اسناد متعددی در زمینه حمایت از حقوق بشر وجود دارد. در مقدمه منشور ملل متحد آمده « با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت والای انسانی و تساوی حقوق بین زن و مرد و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ . . . » مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی، شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری به حقوق و انتقال ناپذیر آنان را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌داند. براین مبنا ماده ۱۱ این اعلامیه، افراد بشر را از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابر دانسته است کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشد و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است. بند ۵ این ماده از مصادیق اعمال سیستم خاک در تعیین تابعیت ایران است. البته سیستم خون در تعیین تابعیت ایرانی حاکم می‌باشد، اما به طور استثنائی تابعیت از راه خاک در برخی موارد پذیرفته شده است. در بند ۵ با پیروی از سیستم خاک، تابعیت را منوط به سه شرط تولد در ایران؛ خارجی بودن پدر و یک سال اقامت پس از رسیدن به ۱۸ سالگی در ایران نموده است. یعنی اگر از پدر خارجی و مادر ایرانی طفل در خارج از کشور متولد شود، خارجی می‌باشد و اگر پدر خارجی و محل تولد طفل در ایران باشد، ولی طفل به سن ۱۸ سالگی نرسیده باشد، تبعه ایران محسوب نمی‌شود و اگر با همه شرایط فوق، پس از رسیدن به ۱۸ سالگی در ایران یک سال اقامت نکند، ایرانی شمرده نمی‌شود. البته «خروج از ایران» قبل یا بعد از ۱۸ سالگی مانع تحقق تابعیت ایرانی نخواهد بود. در نظریات مشورتی اداره حقوقی آمده است. طفل متولد در خارج از کشور از مادر ایرانی مشمول هیچ یک از بندهای ماده ۹۷۶ ق.م. نمی‌شود، لذا طفل ایرانی محسوب نمی‌شود. طفل متولد در ایران از مادر ایرانی، ایرانی محسوب می‌شود؛ زیرا بنا به نظر اداره حقوقی دادگستری طبق بند ۴ ماده ۹۷۶ ق.م. تولد یکی از ابویان در ایران منجر به ایرانی شدن طفل می‌گردد و قید خارجی بودن ابویان در بند ۴ خصوصیتی ندارد و طفل فقط از جهت تولد یکی از ابویان در ایران تبعه ایران محسوب می‌شود، لذا بنابر اولویت و تنقیح مناط، به حکم بند ۴، طفل ایرانی است.

## منابع

۱. محمد ابراهیمی. (۱۳۷۷). ازدواج با بیگانگان، نشر مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲. ال کجیاف، حسین. (۱۳۹۰). بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، نشر انتشارات جنگل، چاپ هشتم.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق، نشر کتابخانه گنج دانش، چاپ احمدی، چاپ شانزدهم.
۴. سلجوقی، محمود. (۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد اول، نشر میزان، چاپ هفتم.

۵. معاونت آموزشی قوه قضائیه. (۱۳۸۵). حقوق شهروندی، وضعیت حقوقی بیگانگان در ایران، شماره ۵۱، نشر قضا، چاپ دوم،
  ۶. کاظم زاده، علی. (۱۳۸۲). تفاوت حقوق زن و مرد، در نظام حقوقی ایران، نشر میزان، چاپ اول
  ۷. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۸). حقوق اقلیتها، بررسی گوشه هایی از مفاهیم حقوق بین الملل، نشر کتابخانه صدر ناصر خسرو
  ۸. امامی، حسن. (۱۳۷۲). حقوق مدنی، جلد چهارم، نشر کتاب فروشی اسلامیة، چاپخانه اسلامیة، چاپ نهم،
  ۹. امامی، حسن. (۱۳۷۶). حقوق مدنی، جلد اول، نشر کتابفروشی اسلامی، چاپ هجدهم
10. <http://stat.woren.gor.ir>